

بررسی تطبیقی الواح تورات در قرآن و کتاب مقدس عبری

لایقه سیدی هاشمی
(دانش‌آموخته سطح سه مدرسه علمیة نرجس)

چکیده

- این نوشتار پس از مفهوم‌شناسی به محتویات الواح نازل شده بر حضرت موسی در کوه طور می‌پردازد و با نگاهی مقایسه‌ای به نقاط اشتراک و افتراق قرآن و کتاب مقدس عبری درباره الواح تورات اشاره می‌کند.
- نگارنده در این پژوهش با شیوه‌ای نو و تحلیلی به موضوع نگاه می‌کند و معتقد است منظور از الواح، صفحه‌های صافی است که در آن کلماتی از جانب خدا شامل معارف و حقایق و احکام، نازل شده است. از بررسی الواح در تورات و قرآن کریم بدست می‌آید که موارد اشتراکی زیاد، و تفاوت‌ها اندک‌اند. زبان قرآن از آنجا که کتابی صرفاً تاریخی نیست، موجز و بدون پرداخت به حواشی و جزئیات است و لذا اصل جریان طور و نزول الواح را تأیید می‌کند و در نسبت با تورات، روش تبیینی‌اش منطقی و معقول‌تر به نظر می‌رسد. همچنین قرآن، داستان انبیا را با هدف هدایت و عبرت بیان می‌کند و به همین دلیل به جزئیات نمی‌پردازد.
- کلیدواژگان: الواح تورات، تورات، تابوت عهد، حضرت موسی، کتاب مقدس عبری، قرآن کریم.

مقدمه

مطالعات نشان می‌دهد که در کتاب مقدس عبری یهودیان، در مورد الواح و محتوای آن به تفصیل بحث شده است؛ اما در قرآن فقط اشاره‌ای به آن شده است. پس از جستجوی فراوان در میان کتب و مقالات مشخص شد که اولاً در رابطه با این موضوع خیلی کم کار شده، و ثانیاً در کتاب‌های موجود؛ مثل تاریخ ادیان و قصص انبیا، جریان میقات خدا با حضرت موسی • به صورت یک گزارش نقل شده است و بنابراین بررسی تطبیقی و تحلیلی دقیقی صورت نگرفته است.

محتوای الواح تورات؛ شامل تعالیم گسترده‌ای در زمینه اعتقادات، اخلاقیات و احکام فقهی شریعت یهود بوده است. از بررسی الواح در تورات و قرآن نتیجه می‌گیریم که موارد اشتراکی زیاد است و تفاوت‌ها اندک‌اند. مثلاً در هر دو کتاب رفتن موسی به کوه سینا به مدت ۴۰ شب و اخذ الواح و جانشینی هارون در غیاب موسی ذکر شده است. از آنجاکه حضرت موسی • از پیامبران اولوالعزم و صاحب شریعت بوده، در قرآن حجم وسیعی از آیات را به جریان زندگی این پیامبر با قومش اختصاص داده است. بنابراین شایسته است درباره موضوع الواح توراتی با محتوای غنی‌اش، بیش‌ازپیش پژوهش توجه و تحقیق صورت گیرد تا نکات بدیع بیشتری در سایه مطالعه تطبیقی بدست آید.

اهداف کلی این مقاله عبارتند از: آشنایی با الواح موسی •؛ آشنایی با تعالیم یهود؛ و بررسی دقیق الواح در قرآن و کتاب مقدس عبری.

بخش اول. مفهوم‌شناسی

۱.۱. لوح: تخته، صحیفه،^۱ صفحه‌ای از چوب، الذی یکتب فیه، و در «کتبنا له فی الالواح» مقصود، دو لوح است.^۲ منظور از الواح، صفحه‌های صافی بوده است که در آن، کلماتی از جانب خداوند شامل معارف و حقایق و احکام نازل شده است. اینکه این صفحات از سنگ بوده یا فلز یا چوب، و یا اینکه تعداد آن و کیفیت و خصوصیات آن به‌طور دقیق چه بوده، مشخص نیست و دلیل قطعی وجود ندارد.^۳

۱.۲. تورات: واژه‌ای عبری است که از «توره» به‌معنای هدایت و ارشاد و یا قانون

۱. عباس شوشتری، فرهنگ کامل لغات قرآن، ص ۳۷۳.

۲. ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۱۲، ص ۳۵۳.

۳. حسن مصطفوی، التحقيق، ج ۱۰، ص ۲۷۸.

و شریعت است. به عبارت دیگر، از آنجا که داستان‌ها و حکایت‌های این کتاب در سامان‌دهی مقررات مربوط به زندگی دینی و اجتماعی یهودیان نقش اساسی ایفا کرده، آن را تورات یا قانون نامیده‌اند.^۱ توریه، در یک کلمه، عبارتست از: شریعت و سنت.^۲

۱.۳. تابوت عهد: صندوقی که موسی به امر خدا از چوب شطیم ساخت و دو لوح عهد را که احکام عشره بر آنها مکتوب بود، در آن گذارد و در پهلوی آن کتاب تورات گذاشت.^۳ کلمه تابوت از ماده «توب» به معنای رجوع است، و همان صندوقی است که خدا بر مادر موسی نازل کرد تا او را در آن گذاشته به دریا افکند. این صندوق همواره در بین بنی اسرائیل بود و از آن تبرک می‌جستند و چون مرگ موسی فرارسید، الواح و زرّه خود را و آنچه آیات نبوت داشت در آن نهاد و به وصی‌اش یوشع سپرد و این تابوت همچنان در بین ایشان بود تا آنکه آن را خوار شمردند؛ به طوری که بچه‌ها با آن بازی می‌کردند. به خاطر همین بی‌حرمتی، خدا آن تابوت را از میان برداشت.^۴

۱.۴. تابوت سکینه، تابوت شهادت، تابوت عهد: تابوتی بود که سکینه در آن بود و از آسمان نازل شد. گویند پاره‌های الواح و سنگی که معجزه موسی به آن بود و عصای او و عمامه هارون در میان آن بود. آن تابوت، بندهای زرین داشت که آن را در جلو لشکر می‌کشیدند و به برکت آن بر دشمن فایق می‌شدند.^۵

۱.۵. میقات: وقت، هنگام، جایی که برای اجتماع در آن تعیین وقت کرده باشند.^۶

بخش دوم. الواح تورات در کتاب مقدس عبری

• هنگامی که سه ماه از خروج بنی اسرائیل از مصر گذشته بود، حضرت موسی مأموریت یافت برای گفتگو با خدا به بالای کوه سینا برود. در آنجا دو لوح دریافت کرد که فرمان‌های خدا بر آنها نقش بسته بود.^۷ تورات، تعالیم گسترده‌ای در زمینه

۱. سید محمد رضوی، «تورات در گذر زمان»، مجله پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، زمستان ۱۳۸۷، ش ۱، ص ۱۷.

۲. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۵، ص ۳۹۹.

۳. مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۲۳۷.

۴. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۴، ص ۱۳۸.

۵. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۳۵-۳۶-۳۷.

۶. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، ص ۱۸۷۹.

۷. حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۸۰.

اعتقادات، اخلاقیات و احکام فقهی از حضرت موسی • نقل می‌کند. از میان این تعالیم، «ده فرمان» اهمیت ویژه‌ای دارد و شامل فرامین زیر است:

۱. برای خود، خدایی جز من نگیرید؛

۲. به بت سجده نکنید؛

۳. نام خدا را به باطل نبرید؛

۴. شنبه را گرامی بدارید؛

۵. پدر و مادر را احترام کنید؛

۶. قتل نکنید؛

۷. زنا نکنید؛

۸. دزدی نکنید؛

۹. علیه هم شهادت دروغ ندهید؛

۱۰. به اموال و ناموس هم نوع طمع نورزید.^۱

بر اساس متن تورات در کتاب مقدس عبری، خدا از قوم موسی می‌خواهد تا عهد و پیمان او را نگاه دارند. سپس حضرت موسی • همه سخنان خدا را برای قومش بیان می‌کند و آنها در جواب می‌گویند آنچه خدا امر فرموده، انجام خواهیم داد.

پس از آن، خداوند احکامی را برای قوم بنی‌اسرائیل مقرر کرده نام می‌برد تا اینکه خطاب به پیامبرش می‌فرماید:

«نزد من به کوه بالا بیا و آنجا باش تا لوح‌های سنگی و تورات و احکامی را که نوشته‌ام تا ایشان را تعلیم نمایی به تو دهم.»^۲

همچنین در بخش‌های دیگر اشاره می‌کند به اینکه موسی • ۴۰ شب در کوه ماند. از طرف دیگر خداوند به بنی‌اسرائیل دستور می‌دهد که تابوتی بسازند و مشخصات آن را برای آنان توصیف می‌کند. علاوه‌براین، جریان تأخیر موسی • از میقات و گرایش قوم به گوساله‌پرستی را به‌طور مفصل تبیین می‌نماید و ساختن گوساله را به هارون نسبت می‌دهد.^۳

۱. خروج، ۲۰: ۱-۱۷.

۲. خروج، ۱۹: ۱-۱۲؛ ۲۱ و ۲۳؛ ۲۴: ۱۲.

۳. خروج، ۲۴: ۱۸؛ ۲۵: ۱۰؛ ۳۲: ۳۵.

۲،۱. سرنوشت الواح

در حملهٔ بخت‌النصر (نبوکدنصر) از سلاطین بابل، به فلسطین و تصرف شهر بیت‌المقدس، مراکز دینی یهودیان به کلی ویران و معابد آنها به آتش کشیده شد. در این واقعه، صندوق شهادت که حاوی همهٔ کتب مقدسهٔ یهود و از جمله تورات بود، سوزانده شد و یهود حدود ۷۰ سال در تبعید به سر بردند. آنها هنگامی که به وطن مراجعت کردند، فاقد کتاب مقدس عبری بودند تا اینکه کوروش کبیر، شخصی به نام عزرا یا عزیر را واداشت تا از نو تورات را بنویسد.^۱

عزرا، کاهن عبرانیان و کاتب ماهر شریعت و هم شخصی عالم و قادر و امین بود. او آخرین نوشته‌جات و فرامین و هر امداد و اعانتی که لازم بود، در اختیار گرفت و به سرکردگی جماعت بزرگی از اسیران مراجعت‌کننده به اورشلیم، کنایس جدیدی تأسیس نمود که تلاوت نوشته‌جات مقدس و دعا در آنجا مستدام باشد.^۲

در بخشی از کتاب مقدس عبری چنین آمده است:

«و در تابوت چیزی نبود سوای آن دو لوح سنگی که موسی در حوریب در آن گذاشت. وقتی که خداوند با بنی‌اسرائیل در حین بیرون‌آمدن ایشان از سرزمین مصر عهد بست.»^۳

این آیه نشان می‌دهد که در زمان سلیمان فقط الواح سنگی در تابوت شهادت وجود داشت و سایر محتویات از جمله کتاب تورات در آن نبود. بنابراین تورات جدیدی که بعد وفات موسی نوشته شد، کتاب اصلی یهودیان است.

۲،۲. شریعت موسوی

دریافت شریعت خدا از طریق موسی •، یکی از مهمترین تجربیات قوم در کوه سینا بود. شریعت موسوی را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

۲،۲،۱. قوانین اخلاقی که شرح قوانین خدا برای داشتن یک زندگی مقدس است؛

۲،۲،۲. قوانین مدنی که شرح زندگی قانونی و اجتماعی یهودیان به‌عنوان یک قوم

است؛

۲،۲،۳. قوانین تشریفاتی که شرح مراسم پرستش خداوند توسط قوم از جمله نظام

۱. حسین قرنی گلپایگانی، همان، ص ۴۵.

۲. مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۶۰۹.

۳. اول پادشاهان، ۸: ۹.

قربانی‌ها است.

در مورد شریعت یهود چند نکته مهم وجود دارد:

۱. شریعت در ارتباط با عهدی که خدا با قوم خود بست، اعطا شد و شرایط عهدی را بیان می‌نمود که از قوم انتظار می‌رفت از آن اطاعت کنند؛
۲. شریعت، اراده خدا را درباره چگونگی رفتار قوم خدا آشکار گردانید و خون بره را به‌عنوان کفاره‌ای برای گناهان ایشان مقرر داشت؛
۳. شریعت، ماهیت و مقررات خدا را از قبیل محبت، نیکویی، عدالت و تنفر از شرارت را بیان می‌کند؛
۴. شریعت عهدعتیق و عهد خدا با آنان، کامل و ابدی نبود.^۱

بخش سوم. الواح تورات در قرآن

۱. الواح در قرآن کریم

قرآن کریم در چندین آیه، به موضوع الواح موسی • و میقات پروردگارش اشاره کرده است:

۱،۱. «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»^۲ «و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر تمام کردیم. تا آنکه وقت معین پروردگارش در چهل شب به سر آمد. و موسی [هنگام رفتن به کوه طور] به برادرش هارون گفت: «در میان قوم من جانشینم باش، و [کار آنان را] اصلاح کن، و راه فسادگران را پیروی مکن.»

خدای تعالی در این آیه، وعده‌هایی که با موسی بسته بود ذکر نموده و اصل آن را سی شب گرفته و با دهمب دیگر آن را تکمیل نموده است. در نتیجه، گفتگوی خدا با حضرت موسی • چهل شب تمام شده است. در ادامه آیه، موسی برادرش هارون را در این مدت جانشین خود در میان قوم قرار می‌دهد و به او می‌گوید: «وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»؛ یعنی هارون را امر به اصلاح و اجتناب از پیروی روش اهل فساد می‌کند؛ درحالی‌که هارون خود پیغمبری مرسل و معصوم بوده و حضرت موسی • به مقام او عارف بوده؛ بنابراین مقصود از این نهی، این بود که در اداره امور مردم به

۱. بهرام محمدیان، دایرةالمعارف کتاب مقدس، ص ۳۹۶-۳۹۷.

۲. اعراف/۱۴۲.

آرای مفسدان گوش ندهد.^۱

۱، ۲. «وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَوْحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخَذَهَا بِقُوَّةٍ وَأَمَرَ قَوْمَك بِأَخْذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ»^۲ «و در الواح [تورات] برای او در هر موردی پندی، و برای هر چیزی تفصیلی نگاشتیم، پس [فرمودیم:] «آن را به جد و جهد بگیر و قوم خود را وادار کن که بهترین آن را فرا گیرند، به زودی سرای نافرمانان را به شما می‌نمایانم.»

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «کلمه لوح به معنای صفحه‌ای است که برای کتابت تهیه شده و از این جهت آن را لوح می‌خوانند که آن نوشته را ظاهر می‌سازد. و معنای آیه چنین می‌شود: ما برای موسی • در الواح که همان تورات است منتخبی از هر چیز نوشتیم به این معنا که ما برای او مقداری موعظه نوشته و از هر مطلب اعتقادی و عملی آن مقداری که مورد احتیاج قوم بود تشریح نموده و تفصیل دادیم. بنابراین آیه شریفه به خوبی دلالت دارد بر اینکه تورات نسبت به معارفی که مورد حاجت بشر است کتاب کاملی نیست. «فخذها قوة» (آن الواح را محکم بگیر) کنایه از آن است که آن را به شوخی فرض نکند؛ بلکه جدی‌اش بگیرد و در آن احتیاط را رعایت کند.

جمله «وَأْمُرْ قَوْمَكَ بِأَخْذُوا بِأَحْسَنِهَا» به این معنا است که قوم خود را دستور ده تا از گناهان و زشتی‌ها دوری نموده و ملازمت کنند و آنچه از حسنات را که تورات به سوی آن هدایت می‌کند.

در ادامه آیه «سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ» آمده که از ظاهر سیاق برمی‌آید مراد از فاسقان، کسانی هستند که با زیربار نرفتن هدایت موسی و نپذیرفتن دستور اخذ بأحسن، مرتکب فسق شده‌اند.^۳

شیخ طوسی • نیز در تفسیرش می‌نویسد: «خداوند در این آیه خبر می‌دهد از اینکه الواح موسی هرپند و موعظه و تفصیل هر چیزی را نوشته است. جبائی می‌گوید آنچه در تورات نوشته شده، اخبار امت‌های گذشته و حلال و حرام در آن بیان شده است. جمله «کتبنا له من کل شیء»؛ یعنی هر آنچه در شرع موجود است از حلال و

۱. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۷۶.

۲. اعراف/۱۴۵.

۳. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۹۲.

حرام، حسن و قبیح، واجب و مستحب و غیر از آن وجود دارد.^۱

• در تفسیر نمونه نیز آمده که: ظاهر آیه این است که خداوند، الواحی بر موسی نازل کرد که شرایع و قوانین تورات در آن نوشته شده بود، نه اینکه الواحی در دست موسی • بود و به فرمان خدا این دستورات در آن منعکس گردید. اما اینکه این الواح از چه جنس و ماده‌ای بوده، در قرآن بحثی از آن به میان نیامده و تنها کلمه الواح به‌طور سرپیسته آمده است.

از تعبیر «من کل شیء موعظة» چنین استفاده می‌شود که همه مواعظ و اندرزها و مسایل لازم در الواح موسی نبود؛ زیرا می‌گوید از هر چیزی اندرزی برای او نوشتیم و این به‌خاطر آن است که آیین موسی، آخرین آیین نبود و مسلماً در آن زمان به‌مقدار استعداد مردم احکام الهی نازل گشت.^۲

۳، ۱. «وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا...»^۳ در این آیه خداوند می‌فرماید: هنگامی که حضرت موسی • به سوی قوم خود بازگشت؛ درحالی که خشمگین بود (چون خدا او را در هنگام مراجعتش از گمراهی و گوساله‌پرستی قومش خبر داده بود)، ایشان را مذمت و توبیخ نموده و گفت: پس از من چه جانشینی بدی بود که از من کردید، چرا از فرمان پروردگارتان پیشتر رفتید؟ و سپس الواح را به زمین انداخت. از ظاهر سیاق برمی‌آید مراد به (امر) همان چیزی بوده که خداوند به‌خاطر او موسی • را به میقات خود دعوت فرمود و آن مسئله نزول تورات بوده است.^۴

۲. الواح در تفسیر اهل سنت و شیعه

۱.۲. تفسیر اهل سنت

بیشتر مفسران بر این باورند که این الواح حاوی یک آیین‌نامه حقوقی است و با قوانین شریعت یهود مرتبط است. زمخشری معتقد است که الواح، همه احکام حقوقی و اخلاقی مورد نیاز بنی‌اسرائیل را در خود دارد.

فخر رازی نیز بر این باور است که اصطلاح قرآنی «موعظه» در آیه ۱۴۵ اعراف، اشاره به توصیه‌هایی است که بنی‌اسرائیل را به اطاعت از خداوند هدایت می‌کند و آنها

۱. شیخ طوسی، تفسیر التبیان، ج ۴، ص ۵۳۹.

۲. ناصر مکارم‌مشیرازی، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۳۶۲.

۳. اعراف/۱۵۰.

۴. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۶، ص ۱۰۰.

را از نافرمانی او باز می‌دارد. سیوطی حدیثی از یک یهودی مسلمان‌شده به نام وهب بن منبه نقل کرده که برخلاف گزارش‌های دیگر، جزئیات فراوانی درباره محتوای الواح بیان می‌کند. مثلاً خدا به موسی می‌فرماید که شریکی برای او قایل نشود و... (مشابه ده فرمان تورات).

ارتباط میان الواح و تورات مشخص نیست. برخی مثل ابن کثیر گفته‌اند، این الواح قبل از تورات به موسی وحی شده است. همچنین در مورد تعداد الواح، رنگ آنها، محتوای شان و ارتباط آنها با تورات به نتیجه مشخص نرسیده‌اند. برخی از گزارش‌ها تعداد الواح را ۷ عدد، بعضی ۹ و بعضی ۶ عدد می‌دانند.

۲،۲. تفسیر شیعه

مفسران شیعه قبل از حکومت آل بویه با تمرکز بر عبارت «مِن کُلِّ شَیْءٍ» مدعی شدند که الواح جزو ضروری علمی است که بنا بر روایات، خداوند در وجود امام نهاده است. به همین دلیل آنها به جای اینکه الواح را با موسی مرتبط بدانند با امامان در ارتباط دانستند.

عیاشی گزارشی طولانی از امام صادق • نقل می‌کند. این حدیث به آیه ۱۴۵ اعراف استناد کرده و بیان می‌کند الواحی که به موسی • اعطا شد در بردارنده هر آن چیزی است که رخ داده و تا پایان جهان رخ خواهد داد. خدا از موسی • خواست که الواح را داخل کوه مشخصی در یمن نگهداری کند. حضرت موسی • این کار را انجام داد تا اینکه نمایندگانی از یمن وقتی از کنار کوه عبور کردند، الواح را دیدند و با خود برداشتند و به پیامبر اکرم • تقدیم کردند.

امام صادق • در ادامه حدیث می‌فرماید: ما امامان این الواح را در اختیار داریم و عصای موسی در دستمان است. سیدهاشم بحرانی (مفسر شیعه) نیز همان گزارش عیاشی را نقل کرده که نتیجه آن سپرده شدن الواح به امامان است.

شیخ طوسی و طبرسی •، حدیثی که الواح را با علم ائمه مرتبط می‌داند نمی‌پذیرند. همین‌طور علامه طباطبائی، گزارش‌های شیعی را مبنی بر اینکه الواح در کوهی در یمن مخفی بوده‌اند رد می‌کند. او معتقد است که اینها خبر واحدند و با قراین قطعی قابل اثبات نیستند. همچنین علامه بر این باور است که عبارت «مِن کُلِّ شَیْءٍ» به موعظه و تفصیل کلی اشاره دارد نه به علم هر چیزی از آغاز تا پایان عالم. به نظر ایشان مراد از الواح، تورات و تمام چیزهایی است که برای بنی اسرائیل ضروری بود.

علاوه بر این، ایشان معتقد است که تورات به خودی خود برای برآوردن نیازهای بنی اسرائیل کافی نبود. به همین سبب قرآن از تورات، الواح، اناجیل به صورت مجزا یاد می‌کند.^۱

بخش چهارم. نتیجه

در قرآن کریم، داستان خروج موسی (شعرا/۵۲) و دریافت الواح و شکسته شدن و جایگزینی آن با الواح دیگر (اعراف/۱۴۵) و گوساله پرستی قوم با اندک تفاوتی نسبت به تورات بیان شده است. قرآن از الواح ولی تورات از دو لوح نام می‌برد. تورات، گوساله پرستی را به هارون؛ اما قرآن به سامری نسبت می‌دهد.^۲ از موارد اشتراک اینکه در هر دو کتاب، رفتن موسی • به کوه سینا به مدت ۴۰ شب و اخذ الواح و همچنین جانشینی هارون در غیاب موسی ذکر شده است. از موارد اختلافی اینکه در تورات، موسی الواح را پرت می‌کند و می‌شکند و در میعاد دوم، الواحی نوشته می‌شود؛ اما در قرآن سخنی از شکستن الواح و نیز میعاد دوم نیست.^۳

در قرآن، جزئیات مربوط به الواح و محتوای آن ذکر نشده است؛ اما در تورات از ده فرمان و تعالیم یهود به طور جزئی سخن گفته است. به گفته علامه طباطبائی؛ قرآن کتاب تاریخ نیست و بنابراین هدف آن، قصه سرایی نیست؛ بلکه آنچه برای هدایت انسان‌ها ضرورت دارد بیان می‌کند.

همچنین در قرآن، وعده گاه خدا با حضرت موسی • در کوه سینا؛ اما در تورات کوه حوریب است. در سوره بقره (آیه ۲۴۸) کلمه تابوت به کار رفته و فقط اشاره‌ای کوتاه درباره محتوای آن کرده است؛ اما در تورات، ساختن تابوت عهد یا شهادت با تمام ویژگی‌هایش توصیف شده و محتویات آن را تماماً ذکر کرده است.

از روایات بدست می‌آید که الواح از جنس چوب بوده و از آسمان نازل گشته است؛ اما در تورات چنین آمده است: «خدا به موسی گفت: دو لوح سنگی برای خود بتراش ... و بامدادان حاضر شو و صبح گاهان به کوه سینا بالا بیا...»^۴

۱. لیاقت تاکیم، «ده فرمان و الواح در تفاسیر شیعه و سنی»، ترجمه محمدحسین محمدپور، پژوهشهای قرآنی، ش ۶۶-۶۵، ص ۲۷۲.

۲. محمدحسین طاهری آگردی، بهودیت، ص ۳۹.

۳. بخشعلی و زهره فنبری، «بررسی تطبیقی جایگاه موسی در قرآن و تورات»، نامه الهیات، ش ۵، ص ۸۶-۸۷.

۴. خروج: ۳۴.

در قرآن در مورد سرنوشت الواح سخنی به میان نیامده است؛ اما در تورات آمده که در حملهٔ بخت‌النصر (نبوکدنصر) به فلسطین، مراکز دینی یهودیان به آتش کشیده شد و در این واقعه صندوق شهادت از بین رفت تا اینکه شخصی به نام کوروش کبیر، عزرا را واداشت تا از نو تورات را بنویسد. همچنین در زمان حضرت سلیمان • (براساس کتاب مقدس عبری) فقط دو لوح سنگی در صندوق بود و کتاب تورات و بقیه محتویات موجود نبود.

بنابراین آنچه مورد تأیید قرآن است، الواح و توراتی است که از جانب خدا بر حضرت موسی • در کوه طور نازل شد. علاوه بر این، روایاتی که از مفسران شیعه در این باب نقل شده خبر واحد بوده و قابل استناد نیست و با ظاهر آیات منافات دارد. از طرفی دیگر آیات ۸۲ و ۸۴ سوره بقره تا حدودی با مضمون ده فرمان تورات مشابهت دارد و می‌فرماید: «خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت که جز او را عبادت نکنند و به پدر و مادر نیکی کنند و با مردم به نیکی سخن بگویند و...». بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به‌طور کلی قرآن در مورد الواح با روشی منطقی‌تر پیش رفته و به‌صورت معقولانه به موضوع پرداخته است. قرآن به‌صراحت بیان می‌کند که تورات یک کتاب آسمانی است و بر حضرت موسی • نازل شده؛ بنابراین این دستورات آن از جانب خدا است و احکام آن برای بنی اسرائیل لازم‌الاجرا می‌باشد.

منابع

قرآن (ترجمه فولادوند).

کتاب مقدس (پخش انجمن مقدسه).

۱. ابن منظور، لسان العرب، انتشارات دار احیاء التراث العربی، چ اول، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۲. اقبال، مهدی، نگاهی به تاریخ ادیان، انتشارات ضریح آفتاب، چ اول، مشهد، ۱۳۸۹ ش.
۳. تاکیم، لیاقت، «ده فرمان و الواح در تفاسیر شیعه و سنی»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۶۵-۶۶، مشهد، ۱۳۹۰ ش.
۴. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، مرکز جهانی علوم اسلامی و مؤسسه فرهنگی طه، چ چهارم، قم، ۱۳۸۰ ش.
۵. جان بایرناس، تاریخ جامع ادیان، انتشارات علمی و فرهنگی، چ سیزدهم، تهران، ۱۳۸۲ ش.

۶. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامهٔ دهخدا، انتشارات مجلس شورای ملی، تهران، ۱۳۳۵ش.
۷. رضوی، سید محمد، «تورات در گذر زمان»، مجله پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، ش ۱، زمستان ۱۳۸۷.
۸. سلیمانی‌اردستانی، عبدالرحیم، سیری در ادیان زندهٔ جهان، انجمن معارف اسلامی ایران، قم، ۱۳۸۳ش.
۹. شوشتری، عباس، فرهنگ کامل لغات قرآن، انتشارات گنجینه، چ سوم، بی‌جا، ۱۳۷۴ش.
۱۰. طاهری‌آکردی، محمدحسین، یهودیت، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی‌ص، قم، ۱۳۹۰ش.
۱۱. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیرالقرآن، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۲. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، ترجمه محمدباقر موسوی‌همدانی، انتشارات دارالعلم، قم، بی‌تا.
۱۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، چ ۱۷، تهران، ۱۳۷۹ش.
۱۴. قرنی‌گلیپایگانی، حسین، زرتشت، یهود، مسیح، اسلام، چ دوم، قم، ۱۳۶۴ش.
۱۵. قنبری، بخشعلی و زهره، «بررسی تطبیقی جایگاه موسی در قرآن و تورات»، نشریهٔ نامهٔ الهیات، ش ۵، بی‌جا، ۱۳۸۷ش.
۱۶. محمدیان، بهرام، دایرةالمعارف کتاب مقدس، انتشارات روز نو، چ اول، تهران، ۱۳۸۰ش.
۱۷. مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس، انتشارات اساطیر، چ اول، تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۸. مصطفوی، حسن، التحقیق، انتشارات آثار علامه مصطفوی، چ اول، تهران، ۱۳۸۵ش.
۱۹. مکارم‌شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی‌تا.
۲۰. هاشمی‌رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۴ش.